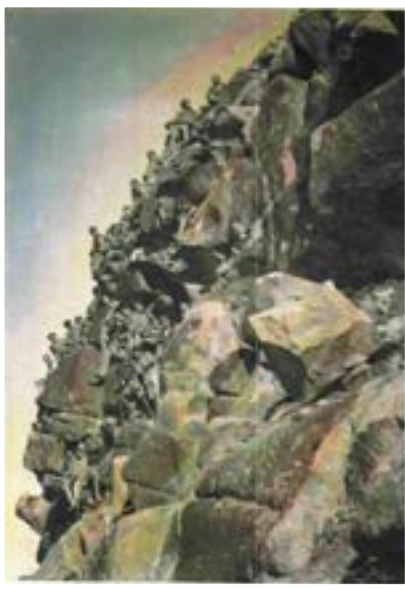


گذری بر تاریخ ورود ورزش به مدارس مشهد و ترویج آن

طناب‌کشی با طعم لیموناد و نان سوخاری

حسین نخعی شریف | ۸ بهمن امسال گزارشی در همین صفحه چاپ شد که در آن به چگونگی تشکیل اولین باشگاه‌های ورزشی مشهد اشاره کرده بودیم؛ جایی که کلوپ‌های خیام، فردوسی و ورزشندگان بین سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۵ تأسیس شدند و با جذب جوانان، به آموزش و ترویج ورزش رو آوردند. در همین سال‌ها، یکی دیگر از ارکان رشد و توسعه ورزش، مشوق محترم، شروع به عملیات ورزشی و حرکات ژیمناستیکی نمودند. بخشی دوم گزارش «مرور تاریخ ورزش در مشهد»، درباره آن‌ها بگوئیم.



بچه‌های مدرسه همت مشهد در رنگ ورزش کوهنوردی / دوره پهلوی اول



بچه‌های مدرسه همت مشهد در رنگ ورزش صیقلگانی / ۱۳۱۰خورشیدی

ورزش و تبدیل شدنش به تکلیف در مدارس

مهم‌ترین وسایل تربیت و نمو روح و جسم است. ندانسته و تاکنون درصدد تعمیم آن در مدارس برنیامده‌اند. همچنین خیلی خوشحالیم که تنها آقای میرسید علیخان، ازمیان تمام مدیران و ناظمین مدارس خراسان، به وظیفه وجدانی خود پی برده و بدون تشویق هیچ مقامی،

ورزش ۹۶ سال پیش به مدارس رسید

با ابلاغ مجلس شورای ملی در ۱۴ شهریور۱۳۰۶ و الزام مدارس به ورزش، گام مهمی در مسیر توسعه و گسترش ورزش برداشته شد؛ آن چنان که از سال تحصیلی ۱۳۰۷-۱۳۰۶ شاهد اقدامات مؤثری در این زمینه هستیم. اولین اقدام، اختصاص دو ساعت در هفته به آموزش ورزش بود که البته باتوجه‌به نبودن معلمان ورزش در مدارس، این کار بیشتر به اجرای فعالیت‌های ورزشی محدود شد و معمولاً ناظم یا مدیر هر مدرسه، براساس میزان علاقه، این مهم را برعهده می‌گرفتند. اداره معارف هم البته بی‌کار نماند و با جذب افراد علاقه‌مند و تکثیر جزوات آموزشی محدودی که دراختیار داشت، در این راه قدم‌داشت. مدیران کلوپ‌های فردوسی و ورزشندگان نیز مردانه پای کار آمدند و هرچه در چنته داشتند، دراختیار ورزش مدارس گذاشتند. این چنین بود که سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ بیشتر به بسترسازی، آماده‌سازی و آموزش حرکات ورزشی سپری شد.

مسابقه بین تیم انجمن فردوسی و تیم معلمان

برگزاری مسابقه والیبال بین دو تیم انجمن فردوسی و معلمان مدارس در ۲۵ آبان ۱۳۰۸ نیز موضوعی است که تبلیغ فراوانی برای آن می‌شود و با حضور مقامات لشکری و شهری و بیش از هزار نفر علاقه‌مند به سرانجام می‌رسد. روزنامه بهار، ۲۷ آبان ۱۳۰۸ در این باره می‌نویسد: «مدت مسابقه چهل دقیقه قیلاً تعیین شده بود. پس از اتمام مدت بازی، آقای مؤیدزاده، معلم ورزش مدارس مشهد که به سمت زرفری (داور) انتخاب شده بودند، به وسیله سوت، ختم بازی را اعلام داشته و به‌نسبت بیست در مقابل هجده، به نفع تیم انجمن فردوسی تمام شد. آقایان حضار با کف زدن و هورا کشیدن، مجلس را خاتمه دادند.» ناگفته نماند که روزنامه آزادی، این دیدار را بین دو تیم محصلین (به‌جای معلمین) فردوسی ذکر کرده است. در ادامه مؤیدزاده، رئیس معلمان ورزش خراسان، برای استفاده از تجارب

اولین مسابقه بین‌کلاسی

طبق گزارش‌های مکتوب، هرچند سال ۱۳۰۷ شاهد تشکیل تیم فوتبال دبیرستان دانش هستیم، اولین تشکیلات ورزشی مدارس را یک سال بعد از آن، دبیرستان شاهرضا در رشته فوتبال بنا می‌نهد و یک سال به جذب داوطلب و سپس آموزش این رشته می‌پردازد. به‌گونه‌ای‌که این دبیرستان، سال تحصیلی ۱۳۱۰-۱۳۰۹ به ازای هر هفت کلاس خود، یک تیم فوتبال دارد. در سال ۱۳۱۱ خورشیدی نیز علاوه بر این هفت تیم و یک تیم متشکل از دبیران داشته است. البته اولین مسابقات بین‌کلاسی فوتبال سال ۱۳۰۹ خورشیدی برگزار می‌شود و اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس، چهارده جفت کفش ورزشی به بازیکنان هدیه می‌دهد که باتوجه‌به اینکه ورزشکاران از داشتن هرگونه لوازم ورزشی محروم بودند، جایزه بسیار ارزشمندی بوده است. این مسابقات

آموزش‌هاکی و بیس بال در دبیرستان شاهرضا

باانتقال دبیرستان شاهرضا به ساختمان جدیدش (دبیرستان شریعتی فعلی) و ایجاد زمین‌هاکی و بیس بال در این دبیرستان، این در رشته نیز از سال تحصیلی ۱۲-۱۳۱۱ جزو رشته‌های ورزشی قرار می‌گیرند، اما به‌دلیل نبود زمین مناسب در سایر مدارس، زیاد به آن‌ها توجه نمی‌شود. مسابقات تفریحی نظیر بوکس چشم‌بسته و سواره (سوار شدن بر روی شانه فردی دیگر و مشت‌زنی به طرف مقابل)، دو با گونی (کیسه)، طناب‌کشی و دویدن با خوردن لیموناد و نان سوخاری، نیز در این سال‌ها مرسوم بود.

ورزشکاران کلوپ ورزشی دبیرستان شاهرضا نیز در سال ۱۳۱۰ ماهیانه سه ریال حق عضویت پرداخت می‌کردند که باتوجه‌به قرائین، مشابه این اقدام در دبیرستان دانش و سپس ابن‌یمن نیز انجام می‌شده است؛ رویه‌ای که در سال‌های بعد نیز استمرار یافت.

با شروع سال تحصیلی ۱۳۱۰-۱۳۰۹ علاوه بر مسابقات داخلی بین کلاس‌های دبیرستان، سه دیدار والیبال فرامدرسه‌ای نیز برگزار شد؛ یکی میان کلوپ فردوسی و مدرسه ادب که برتری با محصلان بود. دومی، دیدار کلوپ خیام با معلمان مدارس بود که پیروزی نصیب معلمان شد و سومین دیدار نیز میان محصلان و معلمان برگزار شد که با جزئی‌نماین همراه بود. خبر روزنامه بهار در ۲۹ مهر ۱۳۰۹ در این باره چنین است: «چون بنا بود در روز پنجشنبه عصر، مسابقه والیبال بین کلوپ معلمین و مدرسه فردوسی داده شود، عده کثیری برای تماشا به محل مسابقه (مدرسه فردوسی) حاضر شده بودند. آقایان معلمین به‌عذر اینکه میدان

نمایش بارفیکس و ژیمناستیک

سال بعد، اوضاع کمی بهتری می‌شود و باتوجه‌به علاقه محمد ملک زاده، رئیس اداره معارف استان، چند مدرسه دیگر هم به‌ورزش دانش آموزان بها می‌دهند. خبرنگار روزنامه آزادی، ۱۶ تیر۱۳۰۵ می‌نویسد: «بر اثر دعوتی که از طرف اداره معارف خراسان شده، ساعت ۵ بعدازظهر روز شنبه ۲۹ خرداد، برای دیدن نمایشات ورزشی محصلین مدرسه دولتی احمدی به مدرسه مذکور رفتم. پس از حضور مدعوین که عبارت بودند از مدیران محترم جراید، رؤسای ادارات، تجار، کسبه، اولیای اطفال و غیره، یک عده از شاگردان مدرسه که قریب صد نفر و با لباس‌های مخصوص ژیمناستیک بودند، انواع‌واقسام نمایشات با پارالل و بارفیکس داده و در تمام قسمت‌ها با کمال خوبی و مهارت ازعهده برآمدند.» این دو خبر نشان می‌دهد که ورزش مدارس تا سال ۱۳۰۵ مختص رشته ژیمناستیک بوده که آن هم در تعداد محدودی از مدارس، انجام می‌شده است.

دعوت به نخستین مسابقه والیبال

بعد از این تجربه موفق، در آبان ۱۳۰۸ مسابقه والیبالیی میان دانش‌آموزان مدارس برگزار می‌شود که مردم نیز به‌عنوان تماشاگر برای دیدن آن دعوت می‌شوند. آفتاب‌شرق ۱۴ آبان ۱۳۰۸ در این باره می‌نویسد: «عصر جمعه، مسابقه ورزش والیبال بین اطفال مدرسه فردوسی و شاگردان مدرسه متوسطه به عمل خواهد آمد تا گوی سبقت، نصیب کدام طرف شود.» همچنین روزنامه آزادی ۶ آبان همین سال خبر می‌دهد: «ساعت ۹ صبح روز جمعه، چون بین محصلین مدرسه متوسطه و محصلین مدرسه دولتی فردوسی، مسابقه والیبال و سایر اقسام ورزش به عمل می‌آمد، از یک عده محترمین دعوت [شد] و در همان موقع، مسابقه شروع [شد] و تا نیم‌ساعت به‌ظاهر ادامه داشت. پیشرفت محصلین مدارس در اقسام ورزش، خیلی جلب توجه [کرد] و قدردانی مدعوین را واقع کردید.»

برگزاری مسابقات با افزایش دبیرستان‌ها

با تأسیس دبیرستان‌های شاهرضا و ابن‌یمن و افزایش دبیرستان‌های مشهد به سه مرکز پای رقابت و مسابقه دانش‌آموزان به میان باز می‌شود. چنان‌که گفتیم، سال ۱۳۰۹ خورشیدی، مدارس ملزم به شرکت در مسابقات ورزشی شدند. لذا برای شناسایی استعدادها و همچنین توسعه ورزش، به برگزاری مسابقات داخلی اهتمام ورزیدند و مسابقات را با حضور خانواده دانش‌آموزان برگزار کردند؛ اقدام شایسته‌ای که تا سال‌ها در آموزشگاه‌ها پایدار ماند. ابلاغیه وزارت معارف هم مزید بر علت شد تا مدارس برای معرفی تیم منتخب، اقدام به برگزاری مسابقات درون‌کلاسی کنند.

تنیس، بوکس، شنا و کشتی در مشهد

در ادامه، تنیس، بوکس، شنا و کشتی نیز از سال ۱۳۰۹ وارد چرخه آموزش دبیرستان‌های پسرانه مشهد شد، اما نبود زمین و امکانات مناسب در مدارس، مانع رشد و گسترش آن‌ها شد، به‌طوری‌که دانش‌آموزان برای شنا تاجار بودند به بند طرق در دوفرسخی شهر بروند که این اقدام در روزهای جمعه، فصل بهار و تابستان، انجام می‌شد. برای تنیس نیز دانش‌آموزان به زمین کلوپ فردوسی یا مدرسه آمریکایی مراجعه می‌کردند. کشتی و بوکس هم بیشتر حالت نمایشی داشت که در مراسم رسمی اجرا می‌شد.



بخش دوم

خراسان نامه

درباره یک کاروان سرای سنگی

مرمت میراثی جهانی در مسیر فرعی جاده ابریشم



هادی دقیق‌ایی شک اگر کاروان سراها را از شمار آثار ملی غیرمنقول حذف کنیم، حس می‌شود که چیزی در هنر معماری ایران کم است. کاروان سراها جدا از ریششان به راه و تجارت و حمل‌ونقل و هرچه بتواند به این‌ها مربوط شود، پیوندی ناگسستنی با فرهنگ و هنر دارند. از آن‌ها، مسافران را به شمال خراسان و جنگل‌های فرهنگ‌های قومی مسافران و حتی در مواقعی فرهنگ‌های جهانی بوده‌اند. درباره هنر بودن معماری و خویشاوندی‌اش با فرهنگ هم که تردیدی نیست، آن هم معماری بااصل ونسبی که گوشه‌گوشه‌اش، فرهنگ مردمانی را فریاد می‌زند که پشت به پشت، آن را به دوش کشیده و سینه به‌سینه منتقل کرده‌اند.

خراسان هم از دیرباز باتوجه‌به موقعیتش، یکی از چهارراه‌های کلیدی و گذرگاه و حتی منزلگاهی مهم بوده است. جاده ابریشم که از دل خراسان بزرگ می‌گذرد، مسیرهای فرعی فراوانی داشته است که یکی از آن‌ها، مسافران را به شمال خراسان و جنگل‌های هیرکانی می‌رسانده است. در این مسیر فرعی اما مهم که نیشابور را به گرگان وصل می‌کرده است، کاروان سراهای شگفت‌انگیزی قرار دارد، یکی از این کاروان سراها، رباط قلی است که در شهرستان جاجرم استان خراسان شمالی قرار دارد.

- میراثی ملی با شهرتی جهانی

رباط‌قلی سال ۱۳۷۵ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت و همین شهپرو امسال در پرونده‌ای با موضوع کاروان سراهای ایرانی، یکی از ۵۲ کاروان سرایی بود که در فهرست آثار جهانی نیز ثبت شد. این کاروان سرای سنگی از سال ثبت‌ملی شدنش بارها مرمت شده است و خبر تمام شدن مرمتش پس از ثبت جهانی شدن، ما را بر آن داشت که از دیدنی‌هایش بگوئیم. کاروان سرا یا رباط‌قلی در شمال شهر سنخواست قرار دارد. در جاده‌ای که از شمال سنخواست به بجنورد دارد، سمت راست مسیر جاده‌ای فرعی است که به کلاته‌شور می‌رسد. کمی جلوتر در حاشیه این جاده می‌شود یک بنای سنگی باابهت را دید که اگر مرمت‌های پیوسته‌اش نبود، شاید امروز پشته‌ای از سنگ در اینجا به چشم می‌آمد. رباط‌قلی با خود روستای قلی تقریباً سه کیلومتر فاصله دارد.

- سنگ‌بنای یک بنای سنگی

اعتمادالسلطنه، نویسنده پیکار قاجاری، در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به مشهد، همراه او بوده است. او در جلد نخست «مطلع الشمس» که برگزیده گزارش سفر کاروان ناصرالدین‌شاه از زمان ترک دارالخلافه تهران تا رسیدن به مشهد است، شرح نسبتاً کاملی از وضعیت این کاروان سرا در آن سفر می‌دهد و برپایه کتیبه سردر بنا، آن را متعلق به عهد تیموری می‌داند. جدا از این، در کتاب «کاروان سراهای خراسان» باتوجه‌به به نقشه بنا، ناماسازی و مصالح ساختمانی آن وشباهتش به کاروان سراهای دوره تیموری منطقه، این کاروان سرا یکی از آثار دوره تیموری واز بناهایی معرفی می‌شود که امیرعلیشیر نوایی، ادیب و سیاست‌مدار دوره تیموری، ساخته است. مصالح بنا سنگ‌های رنگارنگ بوم‌آورد و ملاط ساروج است که حتی در طاق‌ها و قوس‌ها و گنبد‌های بنا هم استفاده شده است. پلان رباط‌قلی چهارایوانی است و این بنا تقریباً ۴۳ در ۳۷ متر طول و عرض دارد. ورودی کاروان سرا، ایوانی بلند در ضلع غربی است که با سنگ‌های تراشیده شده یک قوس جناغی در آن ساخته‌اند. پیشانی طاق ایوان ورودی، به‌گفته اعتمادالسلطنه، گچ‌بری داشته که اکنون بخش اندکی از آن مانده است. ایوان ورودی در میان دو بازوی نیم‌استوانه قرار دارد و چهارگوشه کاروان سرا هم چهار برج دایره‌ای دارد و بر دیوار جنوبی و شمالی آن نیز دو برج نیم‌دایره تعبیه شده است. بر بدنه برج‌ها نیز منقذ‌هایی به‌عنوان تیرکش و درعین حال نورگیر ایجاد شده است. پس از ورودی دوطبقه، راهرویی به فضای چلیپایی ورودی که حکم هشتی را دارد، می‌رسد. دوطرف این هشتی، تالارهایی است که اسطبل کاروان سرا بوده‌اند. هرکدام از این تالارها که شکل شبستان هستند، غرفه‌هایی با طاق جناغی دارند که نورگیرهایی برای تأمین نور و تهویه هوا در آن‌ها تعبیه شده است. درنهایت، در چهار ضلع حیاط مرکزی چهارایوانی بنا، دوازده ایوانچه وجود دارد و ایوانچه‌های گوشه حیاط به فضای شبستانی دورتادور بنا متصل می‌شوند که محل استراحت کاروانیان بوده است. در انتهای ایوان جنوبی که رو به قیله است، طاق‌نمایی شبیه محراب، جانمایی شده است. گچ‌بری‌های اطراف آن و تورفتگی این قسمت، احتمال نمازخانه بودن این ایوان کاروان سرا را تقویت می‌کند.

- چشم‌انداز روشن رباط قلی

رباط سنگی قلی در میان هم سنگ‌هایش در منطقه، وضعیت پایداری دارد و تقریباً از سال ۱۲۸۶ پیوسته مرمت شده است. در این زمینه از محمدرضا قهرمانیان، معاون میراث فرهنگی استان خراسان‌شمالی، درباره اوضاع رباط‌قلی و اینکه در دهه فجر قرار است چه اتفاقی برای این رباط بیفتد، پرسیدیم. قهرمانیان به شهرآرا گفت: «فعلاً موربعدی مرمت تا انتخاب سرمایه‌گذار مناسب، متوقف شده است. در دهه فجر قرار است رباط‌قلی به‌عنوان یکی از پروژه‌های مرمتی که مرمتش به پایان رسیده است، افتتاح شود. بقیه کارها باید از طریق انتخاب سرمایه‌گذار و مطابق طرح انجام شود.»

قهرمانیان درباره اینکه کاربری آینده رباط‌قلی چیست، گفت: «در مطالعات اولیه، کاربری پذیرایی و اقامتی برای این کاروان سرا در نظر گرفته شده است، اما باتوجه‌به طولانی شدن روند مرمت و ازطریقی جذب‌نشدن سرمایه‌گذار، متأسفانه مراحل انتخاب کاربری مناسب با‌شان بی‌فایده‌نهایی نشده است. باتوجه‌به اینکه رباط‌قلی اکنون یک میراث جهانی است، از مهم‌ترین کارهایی که باید در این مرحله انجام شود، مطالعات تکمیلی مطابق با ضوابط بین‌المللی است تا در آینده با انتخاب سرمایه‌گذار و سپردن امور به او، بقیه کارها در قالب طرح انجام شود. در سال گذشته و امسال، برق و آب و گاز مجموعه تأمین شده است.»

رباط‌قلی خوشبختانه به‌دلیل قرار گرفتن در چشم‌انداز بکر طبیعی و وضعیت پایدارش، اصالت و یکپارچگی‌اش را تا حد زیادی حفظ کرده و همین عامل در کنار ویژگی‌های کالبدی و معماری بنا، آن را به یکی از کاروان سراهای ارزشمند ایران بدل کرده است، و به‌ویژه که اکنون میراثی جهانی نیز محسوب می‌شود.

شهرآرا

SHAHRAANNEWS.IR
شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲
۷ شهریار ۱۴۴۵
شماره ۲۱۵۸

۱۵



تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت

- تاریخ و هویت